

سایه بحران جهانی اقتصاد بر مدیران مالی

گزارشی از برگزاری دومین کنفرانس بین المللی مشاوران و مدیران مالی

اشاره:

دومین کنفرانس بین المللی مشاوران و مدیران مالی با حضور صاحب نظران، کارشناسان و دست اندرکاران حوزه مالی و حسابداری سراسر کشور این کنفرانس با اهداف ایجاد بستری مناسب در جهت آرایه و انتقال تحقیقات و دستاوردهای نوین متخصصان عرصه دانشگاهی و انتقال تجارب ارزشمند و هدقمند مدیران اجرایی در سازمان ها و صنایع، ایجاد بستری مناسب در جهت تعامل سیاستگذاران، مدیران و متخصصان عرصه مدیریت مالی، حسابداری و حسابرسی، بازآموزی مدیران کشور و تحلیل و بررسی چالش های مالی و حسابداری و آرایه راهکارهای عملی در مرکز همایش های بین المللی صدا و سیما به مدت دو روز آغاز به کار کرد:

جایگاه حسابداری و امور مالی در سند چشم انداز

دکتر ایرج نوروش - دبیر کنفرانس مشاوران و مدیران، جایگاه حسابداری و امور مالی در سند چشم انداز را بسیار پر اهمیت خواند و گفت: متأسفانه این دانش در کشورهای در حال توسعه به سبب مالکیت و مدیریت دولتی بر پهنه اقتصاد از جایگاه مناسبی برخوردار نیست.

وی ادامه داد: مدیریت مالی شرکت ها دو وظیفه مهم از جمله حسابداری و گزارشگری مالی و حسابداری مدیریت را بر عهده دارند که حسابداری و گزارشگری مالی به دلایل مختلف موقعیت اجتماعی خود را پیدا نکرده است که از جمله آن دلایل اینکه بخش عمده ای از واحدهای اقتصادی در کنترل مدیران دولتی است و به این سبب که مدیران منتصب به دولت هستند حسابداری و گزارشگری مالی نمی تواند ارزیابی مناسبی از این عملکرد آرایه دهد پس ابقاء آنان در گزارشگری سرمایه اعتبار چندانی ندارد دیگر این که برخی از این واحدهای اقتصادی چون آب و برق و مخابرات و فاضلاب و ... داده ها و ستاندها و سرمایه هایشان در اختیار مدیران نیست پس طبیعتاً حسابداری امور مالی نمی تواند ارزیابی مناسبی از این واحدها باشد دیگر اینکه در شرایط اقتصادی با تورم بالا گزارشگری مالی و حسابداری نمی تواند نتایج اقتصادی مناسب و منطبق با استانداردهای حسابداری و تصویر درستی از وضعیت مالی آرایه دهد پس نقش حسابداری مالی و گزارشگری کم رنگ می شود.

وی اضافه کرد: ادغام دفاتر مالی و مالیاتی در دفاتر واحد که در کمتر اقتصادی دیده می شود، نمی تواند اطلاعات مهمی را در اختیار گذارد و طبیعتاً نبود استانداردهای بین المللی موجب شده اطلاعات کم رنگ تر باشد و اقتصاددانان و سرمایه داران به دلیل اندازه های نادرست و نتایج نامطلوب مدیریت از این اطلاعات رویگردان شوند.

وی ادامه داد: نقش مدیریت مالی علاوه بر

حسابداری و گزارشگری مالی، حسابداری مدیریت است که به سبب محدودیت کمتر بواسطه مدیران مالی نقش موثرتر آرایه خواهد داد. اگر حسابداری مدیریت موجود نباشد و اندازه ها صحیح نباشد حسابداری و گزارشگری مالی اهمیتی ندارد چرا که یک دسته از استانداردها، استانداردهای اندازه گیری است و دسته دیگر استانداردهای افشاء ولی زمانی که اندازه صحیح نباشد افشاء نیز صحیح نخواهد بود.

وی افزود: حسابداری مدیریت با توجه به اینکه با محدودیت کمتری روبروست می تواند نقش موثری ایفا نماید و در تمام سطوح مدیریت، اطلاع رسانی جهت اعمال سبک های مختلف مدیریتی نیاز به اطلاعاتی دارد که حسابداری مدیریت باید این اطلاعات را در اختیار مدیران ارشد قرار دهد یعنی با گزارشاتی استثنایی نظیر گزارشات بودجه ای، گزارشات مسئولیتی و گزارشات حسابداری و دیگر گزارشات بر مبنای هدف یا مسئولیتها و ارزیابی متوازن می توان نیازهای مدیریتی را برطرف نمود که اغلب موسسات از این تکنیک های کمک به مدیران بی بهره هستند.

دبیر کنفرانس اضافه کرد: در صورتی که مدیران اجرایی دستگاهها قادر باشند حسابداری و الزامات اساسنامه قانونی را نادیده گیرند، حسابداری به بخش کوچک خزانه داری محدود می شود پس باید به عنوان مدیران مالی بکوشیم تا با ارتقاء مهارت ها و دانش در زمینه های حسابداری مدیریت و مالی پیوندی ناگسستگی میان خود و مدیران ارشد ایجاد نماییم و ارتباط و همبستگی در سازمان بیشتر شود.

وی افزود: مدیران مالی با کمک به مدیران اجرایی می توانند ارزش افزوده بالایی ایجاد نمایند اما اکثر شرکت های چند ملیتی و یا بین المللی که موفق به جمع آوری منابع مالی در سراسر دنیا شده اند در مقایسه با شرکت های مالی در کشور ما جریان نقدی آزادی ندارند پس باید سعی کنیم با برگزاری سمینارها و کارگاه های آموزشی بتوانیم جریان مالی

کشور را ارتقاء دهیم و ارزش افزوده قابل قبولی را برای واحد تجاری کسب نماییم.

دکتر غلامرضا اسلامی - استاد دانشگاه تهران -

سیر تحول تاریخی تئوری های سرمایه گذاری با نگاهی به آینده

ایراد سخن نمود و مسیر تحول تاریخی را در چهار دسته به تئوری های باستانی، سنتی، مدرن و فوق مدرن تقسیم کرد و یادآور شد: در سال ۱۸۷۵ زیر بنای حسابداری گزارده شد و در دوران سنتی در خصوص حسابداری و سرمایه گذاری فرمول هایی با عنوان بازگشت سرمایه و ... وجود داشت که تا دهه ۱۹۲۰ فرمول های ساده ای به شمار رفت و فرصت های سرمایه گذاری بسیار محدود بود ولی امروز بسیار متفاوت است و با انواع ابزارهای IT به موجب فراوانی انتخاب، جایی برای انتخاب بهینه وجود ندارد که اگر وجود داشت در این وضعیت نامطلوب اقتصادی به سر نمی بردیم.

دکتر اسلامی اذعان داشت: ریسک به دانش بستگی دارد هر چه دانش کمتر باشد ریسک افزایش یافته و هر چه دانش بالاتر باشد ریسک کاهش می یابد. در سال جاری سرمایه گذاری هایی را شاهد بودیم که منجر به ضرر و زیان شد و باید دانست همیشه فرصت های طلایی همواره وجود دارد و دنیا در حال تحول است و در این تحولات برخی برنده و برخی بازنده هستند پس تنها باید با عنصر دانش حرکت نمود.

وی هم چنین اضافه کرد: تحقیق در عملیات، نقش مهمی را در توسعه تئوری های مالی ایفا نموده و در دهه ۱۹۴۰ که این رشته از دانش بشری به وجود آمد تحقیقات بسیاری در حوزه تئوری های مدیریت مالی و سرمایه گذاری وارد شد که جیره بندی سرمایه بخشی از آن به شمار می رود همواره باید دانست چرا مردم در انتخاب سرمایه گذاری هایشان اشتباه می کنند اگر بازار کارایی دارد اشتباه باید کمتر باشد.

وی ادامه داد: تمام افرادی که با مدیریت سرمایه گذاری فعالیت می کنند باید بدانند در

پارادایم مالی به حداکثر رسانیدن ارزش فعلی ثروت آتی سرمایه گذاران مد نظر است که این پارادایم مجوز هر کار غیر اخلاقی را جهت افزایش ثروت سرمایه داران صورت می دهد ضمن این که تنها سرمایه داران نیستند که باید ثروتمندان افزایش یابد بلکه کارکنان، مشتریان، فروشندهگان، جامعه، دستگاه، مالیات نیز در این تشکیلات ذینفع هستند پس پارادایم را اصلاح نموده و می گوئیم: "به حداکثر رسانیدن ارزش فعلی منابع آتی ذینفعان با عطف توجه به کاربرد اصول پذیرفته شده اخلاقی، مدیریت و حاکمیتی".

آثار همزمانی بحران مالی بین المللی و طرح تحول اقتصادی

دکتر طهماسب مظاهری - استاد دانشگاه تهران - در آغاز عنوان کرد: این مشکلی است که امروز با آن مواجهیم که دو اتفاق هم زمان در صحنه اقتصادی و مدیریتی کشور به وقوع پیوسته است و آثار و تبعات مالی برای کشور به ارمغان می آورد.

شاید طی چند ماه اخیر در خصوص این قبیل مشکلات توسط کارشناسان و صاحب نظران سخنانی گفته شد ولی نکته ای که جهت یادآوری باید عنوان شود این که این دو رویداد یعنی طرح تحول اقتصادی و بحث بحران مالی جهانی با هم و یا به تنهایی می تواند بخشی عظیمی از زمان و انرژی و توان مدیریت کشور را به خود جلب نماید و خسارت ها را به حداقل رسانده و بهروری در کشور به وجود آورد عبارتی دیگر هم زمانی این دو می تواند هم موجب کمک و هم موجب زیان شود. وی اضافه کرد: منشأ بحران مالی زیاده روی در تامین اعتبارات مالی توسط بانک های مالی و فروش تعهدات به صورت اوراق بانکی به موسسات مالی دیگر بوده است که هم زمان جهت رشد بیشتر شرایط پرداخت اعتبار برای افرادی که از این منابع استفاده می کنند را بسیار سهل و آسان و از حد طبیعی پرداخت اعتبار بانکی خارج نموده است. بر طبق آمار نزدیک به ۲۰۰ هزار دلار به ۷۰۰ هزار نفر پرداخت شده است و به موجب شرایط اقتصادی

دریافت کنندگان این اعتبارات در پرداخت آن، با مشکل مواجه شدند و به موجب آن املاکی که در ازای دریافت وجه خریداری شد با کاهش بها موجب بروز مشکلات مالی برای بانکهای مالی و اوراق مالی که به اتکای این بازپرداخت منتشر شده بود شد و در قدم بعدی بروز بحران مالی در بانکهای اعتبار دهنده و بازار بورس مشاهده شد و نخستین گزارشات در این خصوص به فروردین سال ۸۷ باز می‌گردد که بازپرداخت اعتبارات را دچار مشکل نمود.

وی به موج دوم از بحران مالی و به تبع آن بحران موسسات مالی و اعتبارات بازپرداخت نشده اشاره نمود که کاهش رشد اقتصادی جهانی را در پی داشت. وی تصریح کرد: کاهش شدید رشد اقتصاد جهانی ظرف چند ماه اخیر تا ۲ سال آینده پیش‌بینی می‌شود و کشور ما به دلیل عدم ارتباط خرید اوراق مالی از بازارهای بانکهای اروپایی از موج اول آسیبی مشاهده نکرد ولی موج دوم به مرور به کشور ما وارد می‌شود و آثار آن و کشورهایی که به این آسیب دچار شدند کسری بودجه‌شان در دو جهت افزایش پیدا می‌کند.

وی خاطر نشان کرد: اکنون جهت انجام پرداختها و مدیریت بحران هم هزینه‌های افزایش می‌یابد و هم منشأ اصلی درآمد دولت که اصولاً در حوزه مالیاتی است به دلیل بحران مالی و کاهش رشد اقتصادی، کاهش می‌یابد بنابراین افزایش کسری بودجه و به تبع آن تورم و بیکاری، از تبعات این بحران می‌باشد.

وی ادامه داد: مورد دیگری که این روزها با آن مواجه هستیم مشاهده کاهش هر چه بیشتر بهای کالا و خدمات تولیدی در این کشورهاست و واحدهای آسیب دیده در این بحران اقدام به فروش با حذف سود و کاهش قیمت در حد هزینه‌های متغیر نمودند و به نظر می‌رسد در برخی بخش‌ها چون صنایع خودروسازی هزینه‌های متغیر تولید بیش از قیمت فروش است که این تمامی آثار قبلی را تشدید می‌کند.

وی با اشاره به شکل‌گیری نظم نوین نظام مالی جهانی تصریح کرد: باید با شناخت این نظم نوین دانست که این نظم نوین ابعاد گسترده‌ای دارد و اگر این پدیده را تحت عنوان نظام نوین مالی جهانی بشناسیم قادر خواهیم بود خود را در آن موقعیت مصون بداریم.

وی در ادامه ضمن اشاره به اثرات ناشی از بحران در نظام مالی گفت: ارزش نفت کاهش یافته و میزان تولید و صدور نفت نیز کاهش می‌یابد به تبع آن صادرات غیر نفتی نیز کاهش یافته و واردات ارزان و در دسترس خواهد بود همچنین تولیدکنندگان در رقابت دشواری قرار خواهند گرفت که باید خود را

با این شرایط وفق دهند. نکته دیگر اینکه تورم در کشورهای شرکای تجاری، ناشی از سیاستهای پولی و بحران مالی است که با منابع اضافه جبران نخواهد شد بعلاوه خاصیت تورم ناشی از افزایش تقاضا را نیز ندارد.

دکتر مظاهری همچنین ادامه داد: علاوه بر افزایش هزینه‌های ناشی از تورم، هزینه‌های جاری ناشی از توسعه تصدی دولت شکل گرفته است و در کنار آن پدیده‌های دیگر در قالب بودجه‌ها، تعهدات و تکالیف در قالب تبصره‌های بودجه بدون نمایش در جداول بودجه است که در تبصره‌ها و تصمیمات

رسیده است و نکته مهم اینکه فشار دولت در تامین کسری بودجه بدون قراردادی مستقیم در تامین کسری بودجه، فشار تامین منابع از سیستم بانکی را پیش روی خواهد گرفت که این موجب افزایش اعتبار می‌شود چرا که دولت آن چه را که از بانکها دریافت می‌کند به آسانی نمی‌تواند بازپرداخت کند و تمام اینها آثار تورمی خواهد داشت. تدبیر دیگری که انتظار آن می‌رود این است که از دو عامل سود بانکی و نرخ ارز به عنوان بازار کاهش تورم استفاده شود که این امر تشدید عدم تعادل در نظام ارزی و سود بانکی را در پی دارد.

بحران جهانی نشان داد که بازارهای سرمایه درجانی از پیوستگی دارند پس باید بر اساس متغیرهای جهانی تصمیمات را اتخاذ نمود. اکنون بسیاری از کشورهای اسلامی، ابزار اسلامی جهت ارایه در دست دارند زیرا در اسلام ابزارهایی موجود است که می‌توان از آنها مدد جست و نیاز است تا اندیشمندان مالی و اسلامی در این خصوص در ابعاد مختلف ایده‌پردازی نمایند.

دولت به عنوان تکالیف دولت تعیین شده است و هزینه‌های دولت را افزایش می‌دهد و حاصل آن اضافه شدن کسری بودجه است.

پدیده دیگری که با آن روبرو هستیم اینکه هزینه‌های ارزی بودجه کل کشور اعم از بودجه عمومی دولت و تبصره‌های بودجه و شرکت‌های دولتی از درآمدهای نفتی سال آینده بالاتر است و آنچه که به عنوان ضربه‌گیر کاهش قیمت نفت پیش‌بینی شده بود به سبب بالاتر بودن تعهدات ذخایر نفتی از موجودی، کارایی ندارد و این تعهدات باید لحاظ شود و در صورتی که موجودی حساب ارزی، این تعهدات را پاسخگو باشد بسیار خوشایند خواهد بود. بنابراین موجودی حساب ذخیره ارزی جهت کمک به بودجه سال آتی قابل اتکا نیست و بدهی‌های انباشته طرح‌های عمرانی بابت سال‌های گذشته و امسال به دولت اضافه شده است و در نهایت دولت مجبور خواهد شد منابع مورد نیاز و کسری‌ها را از طریق بانک مرکزی و افزایش کسری بودجه تامین نماید و با توجه به اینکه در برنامه ۵ ساله جهت استقراری مستقیم دولت از بانک مرکزی، دولت ناچار خواهد بود روش‌های استفاده از بانک مرکزی را گسترش دهد و در پی آن فشار بر بانکها جهت تامین نیازهای دولت و اعتبارات معوقه افزایش می‌یابد تا جایی که اکنون نیز به ارقام غیر قابل قبولی

وی همچنین اضافه کرد: در خصوص ساختار اقتصادی، طرح تحول اقتصادی در ۷ پروژه مطرح شده است و محور اصلی آن اصلاح و هدفمند کردن یارانه‌هاست چرا که امروز یارانه‌ها ناصحیح پرداخت می‌شود. هدف یارانه کمک به اقشار کم درآمد و کمک به تولید و بالفعل نمودن استعدادهای بالقوه تولیدی در کشور است که اکنون حاصل نشده و نظام یارانه‌ای موجود حمایتی از تولید به عمل نمی‌آورد و اصلاح نظام یارانه‌ای، تغییر نظام یارانه و هدفمند نمودن آن موجب جهش قیمت می‌شود که این جهش قیمت می‌تواند با تورم متفاوت باشد و چه پیش نیاز آن فراهم نشود یا نه، افزایش قیمت یکپاره ناشی از اصلاح قیمت کالاها و خدمات به عنوان جهش یکپاره، بلکه به عنوان تغییر نرخ پایه تورم در کشور می‌باشد. امروز نرخ تورم موجود در کشور نزدیک به ۱۵ درصد است و در صورتی که نظام یارانه‌ها بدون مقدمات پیش رود با جهش قیمت و نرخ تورم بالاتری رو برو خواهیم بود که بالاتر از ۳۵ تا ۴۰ درصد خواهد بود آن رقم می‌تواند پایه تورم سالانه باشد.

استاد دانشگاه تهران اضافه کرد: این اصلاحات باید با مراقبت و ایجاد فضای مناسب جهت کسب و کار و فراهم نمودن شرایط مناسب برای تولیدکنندگان باشد تا بتواند با افزایش قیمت‌ها انگیزه تولید ایجاد نماید و با سرمایه‌گذاری، تولید را در اختیار جامعه

قرار دهد. وی در نهایت به دو عامل عمده و موثر بر اقتصاد کشور اشاره نمود و گفت: طرح تحول اقتصادی و بحران مالی جهانی می‌تواند تاثیر شگرفی بر اقتصاد کشور به جای گذارد و هر دو نیاز به توجه، تمرکز، مدیریت مقتدر، دانا و هماهنگ دارد که معتقد به اصول علمی باشند. با توجه به این اصول علمی باید منابع مالی و سرمایه‌های انسانی مورد نیاز را تامین نماید و با توجه به هم زمانی این دو رویداد هم به منابع مالی بیشتر و هم منابع نیروهای انسانی خلاق نیاز است که دولت با فراهم آوردن شرایط مناسب می‌تواند این موفقیت را به دست آورد.

بازارهای سرمایه و آینده مدیریت مالی

دکتر حسن قالیباف اصل - مدیر عامل بورس اوراق بهادار تهران - در آغاز گفت: در بحث‌های اقتصادی اولین اصل در خصوص اقتصاد، این است که در پی به وجود آمدن بازارهای کالایی، رفاه اقتصادی افزایش می‌یابد و امکان مبادله کالا فراهم می‌گردد در بازارهای مالی نیز عرضه و تقاضای سرمایه به هم می‌ریزد و هر کجا فرصت وام دادن و گرفتن و عرضه و تقاضای جریان نقدی و امکان رسیدن آنها به هم فراهم باشد یک بازار مالی پدید می‌آید و موجب افزایش رفاه مالی جامعه می‌شود که توسعه اقتصادی نیز در گرو توسعه اقتصادی بازارهای مالی است و نتیجه مطالعات فراوان است که نشان می‌دهد توسعه یافتگی اقتصادی با توسعه یافتگی بازارهای سرمایه مرتبط است و در بحث توسعه یافتگی بازارهای مالی اقتصادهایی که مبتنی بر بازار سرمایه هستند امکان توسعه اقتصادی و توسعه مداوم و پایدار را بیشتر فراهم می‌آورند.

وی عنوان کرد: وظیفه بازار سرمایه تخصیص درست سرمایه بر اساس اطلاعات شفاف است که این امر در اقتصادهایی که بازار محورند بهتر شکل می‌گیرد چرا که صورت‌های مالی شرکت‌ها و صنایع از دیدگاه‌های مختلف مورد بررسی و کنکاش در زیر ذره‌بین بازار سرمایه قرار می‌گیرد و این امکان را فراهم می‌آورد که افراد مختلف با دیدگاه های متفاوت صنایع را تحلیل کنند تا سرمایه درست تخصیص پیدا کند. در این صورت شاهد طرح‌های نیمه تمام و شرکت‌های زیان‌ده نخواهیم بود چرا که صنعت و یا شرکت تا زمانی که ایجاد نشده است زبانی برای جامعه ندارد ولی در صورتی که شرکتی و یا بنگاه اقتصادی خلق شد و زیان‌ده بود و بر اساس مزایای اقتصادی ایجاد نشده بود یقیناً مشکلاتی را برای جامعه به وجود خواهد آورد.

وی اضافه کرد: هدف مدیریت مالی افزایش ثروت سهامدار است که افزایش منافع ذینفعان در شرکت را موجب می‌شود و اگر مدیریت شرکت



به منافع ذینفعان توجه نکند، یقیناً افزایش ثروت رخ نخواهد داد.

دکتر قالیباف در ادامه بحث به قدرتمندی بازارهای سرمایه اشاره کرد و گفت: شرکت‌ها زمانی که در بورس پذیرفته می‌شوند، مدیران مالی می‌توانند اثر تصمیمات و وضعیت بنگاه را در بازار مشاهده نمایند چرا که قیمت سهام منعکس کننده طیف وسیع اطلاعات در شرکت است. اطلاعاتی مربوط به وضعیت رقابتی شرکت، سودآوری و کیفیت سود شرکت، دارایی‌های مشهود و نامشهود شرکت که بازار سرمایه توانایی آن را دارد که دارایی‌های غیر فیزیکی شرکت را در بازار ارزیابی نماید.

وی در خصوص مزایای دیگر شرکت‌ها جهت پذیرش در بورس به سهولت تامین وجه برای شرکت‌ها اشاره کرده و گفت: شرکت از طریق انتشار انواع اوراق در مواقع نیاز به سرمایه، می‌تواند منابع مالی را از طریق ارایه سهام و یا انتشار اوراق تأمین نماید. از دیگر مزایا که کمتر به آن توجه می‌شود مزیت مالیاتی است که شرکت‌های پذیرفته شده از ۱۰ درصد معافیت مالیاتی برخوردارند.

حسن دیگر بازار سرمایه ایجاد قیمت منصفانه بر اساس عرضه و تقاضا و مکانیزم بازار برای اوراق بهادار است. مزیت دیگر، نقد شوندگی سهام و افزایش پاسخگویی مدیران و واکناری تدریجی و امکان اصلاح و تغییرات قیمت است.

وی کارایی بازار سرمایه را یکی از مهم‌ترین مباحث در بازار سرمایه دانست و گفت: در حال حاضر کارایی بازار سرمایه با توجه به بحران موجود سؤال برانگیز است؛ اول اینکه قیمت سهام آینه تمام نمای کارایی و اطلاعاتی است که در سطح کلان اقتصادی، صنعت و کشور وجود دارد و قابل پیش‌بینی است چرا که در مقابل اطلاعات غیر قابل پیش‌بینی هیچ فردی و از جمله بازار سرمایه نمی‌تواند عکس‌العمل مناسب از خود نشان دهد و در صورتی که بازار سرمایه کارایی داشته باشد این سه دسته اطلاعات باید به صورت کامل در قیمت سهام منعکس شود.

وی همچنین یادآور شد: مدیران مالی می‌توانند در افزایش کارایی بازارهای سرمایه نقش واقعی داشته باشند و در بخش گزارشگری یا تنوع در افشاء و افزایش درک استفاده کنندگان کمک‌هایی را اعمال نمایند همچنان که در شرکت بورس نیز این قبیل کارها اعمال می‌شود و تنوع در منابع اطلاعاتی نظام افشاء مستمر است و بدینگونه نیست که شرکت چند بار در سال اطلاعات به بازار

ارایه دهد بلکه نظام افشاء می‌تواند مستمر باشد زیرا محیط متغیر است و اطلاعات بسیاری در شرکت‌ها تولید می‌شود و شرکت هر زمان احساس نیاز کرد اطلاعات را برای ایجاد عکس‌العمل‌ها و شکل‌گیری بازار ارایه می‌دهد و مدیران مالی می‌توانند بر متغیرهای بنیادی تأکید نموده و تصمیمات بنیادی اتخاذ نمایند.

دکتر قالیباف اضافه کرد: مدیران مالی می‌توانند گزارشگری و افشاء اطلاعات آینده را گسترده‌تر و قوی‌تر نمایند که این امر به تحلیل بازار سرمایه نیز کمک خواهد کرد مدیریت و گزارشگری ریسک نیز که در بحث راهبری شرکتی مطرح است بسیار حائز اهمیت است و مدیران مالی باید به آن توجه داشته باشند و اطلاعات را به بازار ارایه دهند.

وی اضافه کرد: مباحث مالی رفتاری و یا مباحث روانشناختی که بر تصمیمات سرمایه‌گذاران در بازار تأثیرگذار است جزء تفکیک ناپذیر بازار سرمایه است تا جایی که می‌توان گفت شیرین‌ترین مباحث به شمار می‌رود.

وی با اشاره به بحران مالی خاطرنشان کرد: بازارهای سرمایه یا پیوسته و یا گسسته هستند و بحران جهانی نشان داد که بازارهای سرمایه درجاتی از پیوستگی دارند پس باید بر اساس متغیرهای جهانی تصمیمات را اتخاذ نمود. اکنون بسیاری از کشورهای اسلامی، ابزار اسلامی جهت ارایه در دست دارند زیرا در اسلام ابزارهایی موجود است که می‌توان از آنها مدد جست و نیاز است تا اندیشمندان مالی و اسلامی در این خصوص در ابعاد مختلف ایده‌پردازی نمایند.

وی در پایان با اشاره به بحث عدم تعادل خود به خود بازارهای سرمایه گفت: تئوری پیش ساختاری بحث جدیدی در بازار سرمایه است که به بحث معامله و مبادله در بازارهای سرمایه و شکل‌گیری قیمت سهام در بازار باز می‌گردد که عرصه پهنآوری برای کار و فعالیت بسیار دارد.

درس‌هایی از بحران‌های جهانی

دکتر داود دانش جعفری - عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام - به عوامل موثر در این بحران اشاره نمود که در اثر آن، انتشار پول بدون پشتوانه امکان‌پذیر باشد که در اثر این تحولات بخش مهمی از ذخایر طلای کشورها تبدیل به ذخایر ارزی شد تا این ذخایر ارزی بتواند در قالب دلار برای خود صنایع نزدیک به ۷۰ درصد اعتبار ایجاد نماید. در این دوره افزایش عرضه پول لزوماً با بخش مالی اقتصاد آمریکا ارتباطی نداشت و همین

پدیده موجب شد رابطه میان تولید و بخش مالی از یکدیگر گسسته شود و نبود نظارت کافی در داخل کشور آمریکا و از طرف صندوق بین‌المللی پول باعث عدم تعادل میان بخش واقعی و مالی اقتصاد شد و در نهایت با بروز بحران مسکن در آمریکا خود را آشکار ساخت.

از سوی دیگر عوامل کوتاه مدتی نیز در این رابطه نقش داشتند که سیاست‌های اقتصادی اتخاذ شده توسط دولت آمریکا در سال‌های اخیر یکی از آن‌هاست که پس از ۱۱ سپتامبر این رکود تشدید شد. بنابراین دولت آمریکا سیاست‌هایی اتخاذ نمود تا بتواند از بحران بیرون آمده و موجب رونق اقتصاد آمریکا شود که در این خصوص ۳ سیاست اصلی وجود داشت که عبارت بودند از: افزایش هزینه‌های مالی دولت در رابطه با تقاضای کل در اقتصاد که این هزینه‌ها هزینه‌های امنیت داخلی و هزینه‌های جنگ نیز به شمار می‌رود و با افزایش هزینه‌های دولت تقاضای داخلی افزایش پیدا می‌کند و از آن طریق می‌تواند موجب افزایش رشد اقتصادی شود. سیاست دیگر، انبساط پولی بود که به اشکال مختلف عرضه پول و دلار، کاهش نرخ سود بانکی و توسعه صندوق‌های رهنی و مسکن که به خصوص در بحران مسکن نقش موثری را ایفا نمود صورت گرفت. سیاست بعدی کاهش ارزش دلار جهت افزایش صادرات آمریکا به دیگر کشورها بود تا موجب رونق برای کشور آمریکا شود.

وی ادامه داد: پس از این تحولات برای یکسری کشورها از جمله کشورهایی که ارتباط تنگاتنگی با اقتصاد آمریکا داشتند بحث‌هایی به وجود آمد که نخستین بحث، روند هم حرکتی بود که در شاخص بورس سهام در کشورهای مختلف مشاهده می‌شد و از سال ۲۰۰۲ شاهد افزایش قیمت بودیم که در سال ۲۰۰۷ این شاخص سقوط کرد و اخیراً در دست باز سازی است.

دکتر دانش جعفری با ارایه آمار و ارقام مباحثی را مطرح ساخته و اینگونه نتیجه‌گیری کرد: به سبب سهم بالای آمریکا در اقتصاد جهانی که در این دوره نزدیک به ۲۵ درصد است هر گونه تحولات در اقتصادی این کشور سریعاً به دیگر کشورهای جهان سرایت می‌کند و هر قدر میزان ارتباط و تعامل کشورها با این کشور بیشتر باشد میزان تأثیرپذیری از تحولات اقتصاد آمریکا نیز بیشتر خواهد بود البته باید توجه نمود که اقتصاد ایران نیز علی‌رغم عدم ارتباط مستقیم با آمریکا به سبب این که شرکای اصلی تجاری ایران از جمله اروپا،

امارات و چین از بحران تأثیر پذیرفته‌اند به صورت غیر مستقیم تأثیر پذیر بوده است و نکته قابل توجه اینکه این پدیده هم حرکتی بویژه برای پیش‌بینی وضعیت آینده فوق‌العاده مفید است.

وی افزود: اقتصاد ایران در سال‌های قبل، استفاده از دلار را به حداقل رسانید و این پدیده موجب شد تا میزان استفاده از ارزهای دیگر از جمله یورو افزایش یابد و با اعمال سیاست کاهش ارزش دلار توسط دولت آمریکا سایر ارزهای عمده دنیا از جمله یورو رو به افزایش قیمت شدید گذاشت و تجارت خارجی ایران که عملاً تحت تأثیر حوزه یورو قرار داشت از این طریق افزایش قیمت یورو، افزایش تورم کالاها را به دنبال داشت.

نکته دیگر اینکه کلیه فلزات اساسی در ایران از طریق بورس جهانی چون بورس فلزات ارزان، قیمت‌گذاری می‌شود بنابراین هر گونه تحولات قیمتی این نوع کالاها در سطح بین‌المللی همچون قیمت فولاد، مس، آلومینیوم، طلا و نقره و . . . مستقیماً قیمت این کالا را در ایران تحت تأثیر قرار می‌دهد.

دکتر دانش جعفری ادامه داد: در مواردی که واحدهای تولید فلزات اساسی چون فولاد مبارکه و یا ذوب آهن اصفهان یا فولاد خوزستان در بورس ایران فعال بودند تأثیرات قیمتی در شاخص قیمت سهام نیز مشاهده می‌شد و طبیعتاً با توجه به سهام بالای آنها در کاهش شاخص کل سهام نیز تأثیرگذار بود. در خصوص تولیدات پتروشیمی نیز که قیمت‌گذاری در برخی از آنها براساس قیمت‌های جهانی است. هر گونه تغییر و تحول در قیمت این کالاها مستقیماً در قیمت مصرف‌کننده و شاخص‌های بورس ایران تأثیرگذار است.

وی تصریح کرد: با تشدید بحران مالی آمریکا در سال گذشته و شروع افت قیمت‌ها در بورس‌های جهانی روند مشابه در اقتصاد ایران نیز آغاز شده است و ما هم اکنون شاهد افت شاخص‌های بورس تهران از بابت افت شاخص سهام مرتبط با فلزات اساسی و همچنین تولید مواد پتروشیمی هستیم. در کشور ما وجود موجودی انبار قابل توجه کمک کرد تا صاحبان کالا جهت تخلیه کالاها گران قیمت خود به افزایش عرضه در بازار و در نتیجه کاهش قیمت کمک نمایند البته در مواقعی نیز به جهت وجود ساختار انحصاری انحصارها شاهد کاهش قیمت به عنوان مثال در زمینه صنعت خودرو هستیم.

نکته قابل توجه اینکه ممکن است در دور بعد،



هم حرکتی در اقتصاد ایران با متغیرهای مشابه در اقتصاد جهانی متفاوت باشد که این پدیده ریشه در اقتصاد نفتی ایران دارد و در بقیه کشورهای نفتی نیز وجود دارد بدین منوال در صورتی که اقتصاد ایران بر اثر کاهش درآمدهای نفتی دچار کسری تراز پرداخت در دور بعد شود، این پدیده می‌تواند موجب افزایش قیمت کالای وارداتی در دور بعد شود و این موضوع می‌تواند هم حرکتی متضادی را از نظر چگونگی سطح قیمت‌های داخلی و سایر نقاط دنیا به وجود آورد که البته وجود ذخایر ارزی کافی در کشور می‌تواند از بروز این پدیده جلوگیری نماید.

الگوهای مدیریت بحران مالی جهانی و درجه موفقیت آنها

حسین عبده تبریزی - مدیر عامل شرکت تامین سرمایه نوین - در ابتدا به نحوه مدیریت بحران مالی جهانی اشاره نمود و گفت: بحران مالی وضعیتی است که نهادهای مالی ارزش خود را به میزان زیادی از دست داده‌اند و از نشانه‌های این بحران سقوط بازارهای سهام و شکستن قیمت‌ها، بحران‌های ارزی و هراس از بانک‌ها و عدم پرداخت دولت‌ها است.

وی ادامه داد: رشد اقتصادی در دنیا در حال کاهش است همچنین تولیدات صنعتی نیز برای سه فصل متوالی در کشور آلمان منتهی بوده و مجوزهای ساخت و صادرات کاهش پیدا می‌کند. حتی پیش‌بینی می‌شود اقتصاد چین نیز برای سال ۲۰۰۹، ۳ درصد کاهش یابد. پروژه‌های جدید و سرمایه‌گذاری در کشور چین بسیار کند می‌شود و همراه با آن کاهش درصد رشد تولید صنعتی را در این کشور شاهد خواهیم بود بنابراین کشور چین نیز روندی را که در اروپا و آمریکا شاهد هستیم تجربه خواهد نمود.

مدیر عامل شرکت تامین سرمایه نوین یادآور شد: به سبب ترازنامه و الگوهای پس‌اندازی متفاوت در کشورهای مختلف است که خانوارهای آمریکایی در این میان بیشترین آسیب را می‌بینند چرا که قیمت محصولات به شدت افزایش یافته و اکنون کاهش آن صدمات بسیاری به خانوارهای آمریکایی وارد می‌سازد. در این میان بحران‌های مشابه نیز وجود دارد همچون بحران موسسات پس‌انداز و وام در سال ۱۹۸۵ تا ۱۹۸۹ که ضرر و زیان بسیار را به دنبال داشت. وی در خصوص دیگر بحران‌های موجود خاطر نشان کرد: بحران‌های دیگری را در ژاپن، آمریکا و خاور دور شاهد بودیم ولی متأسفانه بحران اخیر زبان‌های بسیاری را در برداشت که قابل مقایسه با دیگر بحران‌ها نیست و تفاوت اساسی این بحران با دیگران بحران‌ها در این است که بخش ساختمان بخش اساسی و عظیمی در کل اقتصاد به شمار می‌رود و زمانی که به این بحران منتهی شد حجم اوراق بهاداری که متکی به ساختمان بود افزایش یافت بگونه‌ای که ۵۴ درصد از کل اوراق به اقسام مختلف اوراق با بخش مسکن مرتبط بود. اتفاقی که در این میان رخ داد اینکه در ۲۰ سال اخیر بخش عمده مطالبات بانک‌ها بابت ساختمان و مسکن به پشتوانه وام‌های رهنی تبدیل به اوراق بهادار می‌شود یعنی بانک‌ها از این امکان برخوردار می‌شوند که کل مطالبات را در بازار سرمایه نقد کنند و دوباره وام پرداخت نمایند حتی برخی بانک‌ها با وجود نداشتن سپرده یک سرمایه را توزیع می‌کنند بنابراین طی

۲۰ سال اخیر میزان وام‌های اعطایی بانک‌ها از سپرده‌هایشان بیشتر است چرا که منابع بیرونی را نیز دریافت نموده‌اند.

وی ادامه داد: پس از ۱۱ سپتامبر شرایط اعطای وام به صورتی سهل و آسان علی‌الخصوص در بخش مسکن بوجود آمد و به سبب ارزان بود، تسهیل شرایط سرمایه‌گذاری خارجی در داخل آمریکا اوج گرفت و اقتصاد، متکی به تقاضا و تحریک تقاضا شد. در سال ۲۰۰۷ در پی کاهش قیمت‌ها و بالا رفتن قیمت بنزین و مواد غذایی و ساکن ماندن بهای مسکن و عدم پرداخت به موقع اقساط، تامین مالی ناممکن می‌شود و در این شرایط، بانک‌ها اولین زیان‌کنندگان هستند.

وی همچنین تأکید کرد: در کنار بخش مسکن، در خصوص چگونگی مدیریت دولت‌ها از این بحران جمع‌بندی خاصی وجود ندارد برخی هنوز به مرحله تصویب دستگاه‌های تصمیم‌گیری نرسیده است ولی همگی کاهش نرخ بهره را اعلام نمودند ولی کاهش نرخ بهره تأثیری بر سیاست‌های پولی نداشته است. نرخ بانک مرکزی تغییر کرده

جناح‌ها نقاط قوت و ضعف شیوه‌های تامین مالی را مشاهده می‌نمودند. بنابراین با وجود کمک به دریافت کنندگان وام‌ها، ملی کردن نهادهای مالی و... طبیعی است که کنترل با مشکل روبرو شود چرا مقام ناظر زمانی که آگاه بود افراد از عهده پرداخت اقساط بر نمی‌آیند نظارت دقیقی صورت نداد؟

وی اضافه کرد: حمایت مالی کشورها از طریق تزریق بدهی و سرمایه امکان پذیر است که بسیاری از آنان نیز مقررات حاکم بر آن را نادیده می‌انگارند.

وی با اشاره به نمودار صندوق بین‌المللی پول تصریح کرد: آثار ناشی از بحران در کشور ایران آشکار و قطعی خواهد بود. در برخی حوزه‌ها با برخی مشکلات مواجه خواهیم بود و تمام افرادی که مجموعه‌های بزرگ را خریداری نمودند اکنون توان بازپرداخت آن را نخواهند داشت و کسری بوجه و انتقال آثار رشد پایین‌تری را در اقتصاد سایر کشورها شاهد خواهیم بود و یقیناً مشکل دنیا مشکل ایران نیز خواهد بود. پتل تخصصی

بحران مالی وضعیتی است که نهادهای مالی ارزش خود را به میزان زیادی از دست داده‌اند و از نشانه‌های این بحران سقوط بازارهای سهام و شکستن قیمت‌ها، بحران‌های ارزی و هراس از بانک‌ها و عدم پرداخت دولت‌ها است.



با موضوع نقش مدیران مالی در ماندگاری و تعالی سازمان‌ها ارائه شد و دکتر عباس هشی، دکتر عباس وفادار، دکتر بهروز خدارحمی، دکتر علی رحمانی و دکتر ساسان مهرانی اعضای پتل به ریاست دکتر ایرج نوروش بودند.

دکتر عباس هشی موضوع "مدیران مالی، حساب‌رسان و جلوگیری از فساد مالی" را بحث روز دانست و به ذکر راهکارهایی در این خصوص پرداخت و عنوان کرد: در مجموعه شرکت، هیات مدیره منتخب سهامداران است که مدیر عامل را تعیین می‌کند و زیر مجموعه آن؛ مدیر مالی، مدیر فروش، مدیر اداری و... هستند و گزارش مالی که از پایین به بالا ارائه می‌شود نهایتاً برای تصمیم‌گیری در

اختیار مجمع قرار می‌گیرد. وی ادامه داد: اصولاً ذینفعان، سهامداران، کارمندان، بانک‌ها، دولت‌ها، مقامات محلی، مشتریان و... هستند و گزارش مالی زمانی قابل بهره‌برداری است که حساب‌رسی شده باشد و مسئولیت موجود بازرس حساب‌رس، ذینفعان و صاحب سهام و هیات مدیره در مقابل عموم و تمام فعالیت‌هایشان بر اساس اطلاعات مالی باشد ضمن اینکه مدیر مالی در مقابل اشخاص ثالث هیچ گونه مسئولیتی ندارد. مسئولیت صورت‌های مالی با هیات مدیره و مسئولیت حساب‌رسان تنها اظهار نظر نسبت به صورت‌های مالی در چارچوب استانداردهای حساب‌رسی و برای شرکت‌های سهامی است و در اساسنامه و قانون تجارت، بورس و مقررات بورس، بانک‌ها و مقررات بانک مرکزی در عمل تمام مسئولیت با هیات مدیره است پس نهایتاً پرداخت سود، اعطای وام و تسهیلات با عبارت صورت‌های مالی در چارچوب استانداردها است و در صورتی که شرکت متضرر شود، ارزش سهام پایین آمده و سهامداران متضرر شده و توانایی پرداخت اقساط را نخواهند داشت، بانک و دولت نیز متضرر می‌شوند و هیات مدیره، حساب‌رس و بازرس مسئول هستند. دکتر هشی به چند نمونه ضرر و زیان‌هایی که در کشور رخ داده بود اشاره نمود و یادآور شد: مدیران در دنیا معیارهای انتخاب چون تخصص، دانش و تجربه دارند که متأسفانه در کشور ایران این معیارها محدود است از جمله اینکه: افراد نباید مشمول ورشکستگی باشند و برای مدیر مالی، فروش و تولید تنها اندک تخصص کافی است.

وی در خصوص حقوق مجموعه کارکنان اضافه کرد: معیار سطح فقر دستمزدی برابر با ۵۰۰ هزار تومان است که در حال حاضر به فارغ‌التحصیلان رقمی معادل ۳۰۰ و یا ۴۰۰ هزار تومان دستمزد پرداخت می‌شود. همچنین ارقام حقوقی مدیران مالی نیز بسیار ناچیز است و بین ۳/۵ تا ۷/۵ درصد ناخالص درآمد حساب‌رسی است که شامل حسابداری، سیستم و... می‌شود.

وی افزود: در دهه ۳۰ مدیریت مالی و حسابداری وجود نداشت و دهه ۵۰ دفتر نوشتن و کمی حسابداری دانستن کافی بود و در دهه ۶۰ بحث دانش نیز مطرح شد ولی اکنون نسلی فارغ‌التحصیل در رأس کار است که نزدیک به ۴ هزار حسابدار رسمی و نزدیک به ۵۰ هزار مالی‌چی وجود دارد که نسبت به جمعیت موجود بسیار اندک است اما رشد جمعیت در چند سال اخیر موجب شده است که حساب و کتاب را به دست افراد سنتی نسپاریم زیرا کامپیوتر و تحلیل نیاموخته‌اند. اما اکنون از مدیر مالی انتظار داریم گزارشات را ارائه نماید، مدیر دارایی و بدهی باشد، آموخته باشد که چگونه از وجوه استفاده نماید اقساطش را به موقع پرداخت نماید و استراتژی مشخص به همراه تحلیلی درست ارائه دهد.

دکتر عباس وفادار در خصوص موضوع "ارزش افزوده اقتصادی و مقایسه آن با سایر معیارهای ارزیابی عملکرد" بیان داشت: جهت گام نهادن در مسیرهای صحیح سرمایه‌گذاری باید براساس ارزیابی عملکرد تصمیم‌گیری نماییم. هدف از ارزیابی عملکرد افزایش بهره‌وری از طریق اتخاذ سیاست‌هایی در جهت استفاده بهینه از منابع مالی قابل دسترس و کسب بازدهی بیشتر از سرمایه‌گذاری است که مهم‌ترین معیار آن سود

حسابرسی به شمار می‌رود که بر اساس برخی توافقات به وجود می‌آید و ساختاری سنتی دارد و سال‌هاست بر ارزیابی عملکرد حاکم است. وی اضافه کرد: ارزیابی عملکرد زمانی اهمیت می‌یابد که مدیریت از مالکیت جدا شود، مدیر به دنبال منافع خود و مالک به دنبال منافع خود باشد که این تضاد باید به حداقل برسد. در بیرون از سازمان نیز بحث ارزیابی عملکرد از اهمیت به سزایی برخوردار است در عین حال تصمیم‌گیری و اعطای پاداش به مدیران براساس ارزیابی عملکرد صورت می‌گیرد. ارزیابی عملکرد در بیرون از شرکت برای وام‌گیرنده، وام‌دهنده و خریدار سهام اهمیت بسیاری دارد. ارزیابی عملکرد را هم در ارزیابی بنگاه به کار می‌گیرند و هم در برنامه‌ریزی برای آینده بنگاه و استفاده کنندگان از ارزیابی عملکرد متنوع و گسترده هستند.

وی ادامه داد: ایجاد ارزش و حداکثر سازی آن به توانایی هم راستا کردن تضاد منافع این ذینفعان مختلف در جهت هدف اصلی بنگاه‌های اقتصادی بستگی دارد پس معیارها باید به شکلی باشد که ذینفعان بر حسب اطلاعات آن معیار که به نوعی جوابگوی نیاز آنان است ارزیابی از عملکرد بنگاه اقتصادی داشته باشند لذا هر معیاری که کمترین انحراف را در اندازه‌گیری معیار ذینفعان دارا باشد می‌توان از آن به عنوان بهترین معیار ارزیابی عملکرد نام برد. وی در ادامه به دو مدل اقتصادی و حسابداری معیارهای ارزیابی عملکرد اشار کرده و تصریح کرد: در مدل حسابداری از سود و زیان استفاده می‌کنیم و یکی از صورت‌های مالی است که نتایج عملیات را در طی یک دوره مالی ارایه می‌کند و سود و زیان چند طبقه اصلی را شامل می‌شود که شامل سود ناخالص، سود عملیاتی، سود فعالیت‌های عادی و سود خالص می‌شود. طبقه‌بندی سود و زیان تصمیمات مدیریت در حوزه‌های تامین مالی، سرمایه‌گذاری و عملیاتی به تفکیک نشان می‌دهد که به واسطه آن می‌توان کیفیت کار مدیر را ارزیابی نمود.

دکتروفادار خاطر نشان کرد: در حسابداری، هزینه هزینه‌هایی از جمله هزینه‌های مالی که شامل بهره وام می‌شود را متحمل می‌شویم و در واقع بحث میان حسابداران و اقتصاددانان است. اقتصاددانان معتقدند هزینه مجموعه مالی را در هزینه سود و زیان محسوب نکرده و این مبالغ تنها وام‌نوده است که بابت آن بهره اخذ شود بلکه منابع مالی دیگری است که سهامداران قرار داده‌اند و از نظر اقتصادی هزینه فرصت به آن تعلق می‌گیرد که اگر در بانک هم بود درصدی سود به آن تعلق می‌گرفت. اکنون اگر ارزیابی سود مدیر بدون بهره‌ای که از بانک دریافت می‌شود را در نظر بگیریم پس هزینه به کارگیری تمام منابع مالی در صورت سود و زیان به دست نمی‌آید لذا نمی‌توان اطلاعات سود و زیان را با آن منابع مالی همگن نمود.

در عین حال سود و زیان متأثر از رویه‌های متفاوت حسابداری نیز هست. مدل اقتصادی ارزیابی عملکرد برآوردی از سود درست اقتصادی در یک سال مشخص است و به طور خلاصه می‌توان گفت ارزش افزوده اقتصادی، بیانگر سودی است که پس از کسر هزینه‌های مربوط به همه‌ی منابع سرمایه‌نصب بنگاه‌ها شده است.

لرزم دگرگونی نگرش مالی در سازمان‌ها
دکتر پرهروز خدا رومی در خصوص نقش مدیران

مالی، وضعیت بحران و نقش جدیدی که باید در وضعیت بحران اعمال نمود عنوان کرد: تغییر و تحولاتی که شرایط حاکم بر نظام اقتصادی به دنیا تحمیل کرده است و طبیعتاً تبعات آن بر حسابداران و مدیران مالی نیز اثر گذارده است، دیر یا زود به ایران نیز خواهد رسید و به نظر می‌رسد در گام نخست، مدیران مالی تغییر نقش اساسی دارند که جامعه به صورت غیر مستقیم از آنان می‌خواهد سنجش عملکرد را با نگاه ارزشی بنگرند و از طریق پیش‌بینی‌هایشان خلق ارزش نمایند و از طریق نگاه و نگرش بودجه جدید و ارزیابی‌های متوازن به سمت خلق ارزش پیش‌روند.

وی آمار و گزارشی را از پیش از دهه هفتاد تا پس از سال ۲۰۰۰ در خصوص گزارشگری و مدیریت مالی ارایه نمود که پیش از دهه ۷۰ مدیریت مالی دستی وجود داشت و از دفاتر کل استفاده می‌شد و در دهه ۷۰ مدیریت مالی متمرکز و کامپیوترهای عظیم الجثه و غول‌پیکر در اتاق‌هایی نگهداری می‌شد ولی گزارشگری به صورت متحدالشکل و

استاندارد درآمد. در دهه ۸۰ مدیریت مالی توسعه بیشتری یافت و از PCها و Serverها استفاده شد و گزارشگری به سمت excel و نرم افزارهای صفحه گسترده و مشابه آن پیش رفت و در دهه ۹۰ که آرام آرام با فاصله زمانی ۲۰ سال به سمت آن پیش می‌رویم مراکز خدمات اشتراکی ایجاد شد که سرویس‌دهی خدمات مالی را برای کل سازمان صورت داد و اکنون سیستم جزیره‌ای دیگر پاسخگو نیست و گزارشگری به صورت الکترونیک انجام می‌شود. از سال ۲۰۰۰ به بعد نه تنها مکانی به عنوان دفتر، مرکز و کارخانه وجود نداشت بلکه حتی ورود و خروج اطلاعات نیازی به حضور افراد در جایگاه خاصی ندارد.

وی اضافه کرد: در دهه اخیر در سازمان‌های پیشرو سازمان‌های وب فعال را مشاهده می‌کنیم که سیستم‌های برنامه‌ریزی بنگاه هستند و جامعه، شرکاء، مشتریان، کارکنان، عرضه‌کنندگان و حتی نهادهای مالی یا آن مرتبط هستند و نسل‌های جدید erp و یا سیستم‌های برنامه‌ریزی بنگاه تحت عنوان erp2 معتقد هستند نه تنها تمام سازمان را به صورت یک پارچه سرویس دهی می‌کنند بلکه خارج از سازمان و بقیه زنجیره ارزش که با آن رو برو هستیم از جمله: عرضه‌کنندگان و مقناصیان را نیز پوشش می‌دهند.

وی نگاه حاکم مدیران در عرصه جدید را به تفاوت نگاه در دوربین‌های دیجیتال و دستی تعبیر نمود و گفت: شاید امکاناتی که در دوربین دیجیتال به چشم می‌خورد از حیث حجم تصاویر، امکان حذف تصاویر معیوب، زمان میان عکس گرفتن

و نمایش تصاویر و امکان رفع عیوب و قابلیت تصویر، در گذشته بعید به نظر می‌رسید ولی این تفاوت‌ها در این دو نسل از تکنولوژی مشاهده می‌شود. به نظر می‌رسد سیستم‌های برنامه‌ریزی منابع بنگاه و نگرش جدید حاکم بر حوزه مدیریت مالی تا حدی تفاوت فاحش دارد که اختلاف میان این دو نسل از دوربین را می‌توان در وظایف و ماموریت‌های مدیران مالی تصویر نمود. در عصر جدید از مدیران مالی انتظار می‌رود در حوزه‌های مختلف به بازاریابی واقف باشند فراتر تجاری و مهارت‌های حسابداری و استانداردهای بین‌المللی را بشناسند و به مقوله IT اشراف داشته و رهبری بدانند همچنین تفکر استراتژیک و دانش حقوقی داشته باشند.

دکتر خدارحمی همچنین در خصوص افزایش قدرت و نفوذ سهامداران خاطرنشان کرد: اکنون سهامداران اثرگذاری متفاوتی نسبت به هیات مدیره دارند و سازمان را به سمت توجه و ایجاد ارزش از دیدگاه سهامدار پیش می‌برند و دیگر صورت‌های

مالی اساسی ترازنامه و سود و زیان به تنهایی برایشان کفایت نمی‌کند. درخواست محرک‌های ارزش اقتصادی و ارزش ذاتی دارایی‌های نامشهود را دارند.

وی اضافه کرد: تا چند دهه پیش می‌پنداشتیم هدف نهایی ما سود نیست پس نیازی به خلق ارزش احساس نمی‌شد ولی حتی بخش‌های دولتی اکنون ایجاد ارزش را در مرکز توجه قرار داده‌اند فرهنگ سازمانی تغییر کرده و در حال حاضر بحث مدیریت مشارکتی مطرح است که محرک‌ها را از پایین دنبال می‌کنیم و به هر ترتیب، جهانی شدن مراکز مالی و تجاری را شاهد هستیم.

وی افزود: نگاه مدیریت مالی از سیستم‌های معاملاتی و ثبت و ضبط تراکنش‌ها و فعالیت‌ها به سمت برنامه‌های تحلیلی پیش رفته است و ما در سیستم‌های سنتی که بحث ورود سفارشات سیستم‌های برنامه‌ریزی منابع انسانی، حقوق و دستمزد، توزیع، دفاتر کل، حساب‌های دریافت و پرداختی، موجودی‌ها، تولید و ... را شاهد بودیم در نگاه جدید که در آینده به سمت آن حرکت خواهیم نمود بحث‌های تحلیل مدیریت ارتباط با مشتری را مشاهده خواهیم کرد. نگاه سنتی بودجه که تنها سهم واحدهای مختلف را پرداخت کنیم پاسخگو نیست با توجه به برنامه‌های استراتژیک باید بررسی کنیم که چه مقدار، در کدام محل و در چه زمان باید هزینه شود پیش‌بینی‌ها اهمیت پیدا می‌کند و از مدیران مالی انتظار می‌رود پیش‌بینی کنند. همچنین هوشمندی تجاری از مدیران مالی انتظار می‌رود مدیران از این پس انتظار دارند در

در عصر جدید از مدیران مالی انتظار می‌رود در حوزه‌های مختلف به بازاریابی واقف باشند فراتر تجاری و مهارت‌های حسابداری و استانداردهای بین‌المللی را بشناسند و به مقوله IT اشراف داشته و رهبری بدانند همچنین تفکر استراتژیک و دانش حقوقی داشته باشند.

لحظه اتخاذ تصمیم از مدیران مالی بازخورد بگیرند نه این که نگاه، نگاه به گذشته و یا پشت سر باشد.

وی تصریح کرد: تا مدتها تنها کافی بود ارتباط میان داده‌های مختلف را کشف نمایم پس از آن به سمت دانش پیش رفتیم و با شناسایی الگوها و روندها وظیفه خود را به انجام رساندیم اما اکنون آرام آرام به سمت درک اصول پیش می‌رویم.

صرف بخش عظیمی از منابع به سبب تحلیل و ثبت و ضبط تراکنش‌ها و فعالیت‌ها دیگر پذیرفته شده نیست اینها را سیستم‌های مکانیزه با هزینه‌های بسیار اندکی صورت می‌دهند. در رویکرد جزیره‌ای اگر انبار، فروش، تولید و ... هر کدام به صورت جزیره باشد و واحد مالی قصد داشته باشد منتظر اضافه کردن قیمت کالاها، رسیدها و هزینه‌های انبار باشد دیگر فرصت به مدیران مالی داده نمی‌شود چرا که اثر بخشی خود را از دست داده‌اند.

دکتر خدارحمی خاطر نشان کرد: ماموریت‌های مدیریت مالی و مدیران مالی در سازمان‌های امروزی متفاوت با گذشته است بدین صورت که امروزه از مدیران مالی فقط انتظار ثبت و ضبط و کنترل نمی‌رود از آن‌ها انتظار اثر بخشی می‌رود که به تکنیک فعالیت‌ها در صورت اقتصادی بودن اجازه انجام دهند و به فعالیت‌های ارزش افزا بیشتر بیندیشند و بخش عین شده‌ای از فرآیند کسب و کار باشند نه بخش منفک و کنترل کننده، ناظر و ممیز.

وی در پایان یادآور شد: تکنولوژی و سیستم‌های برنامه‌ریزی بنگاه و سیستم‌های کامپیوتری جدید که در خدمت ماموریت‌های مالی هستند تنها بر پردازش اطلاعات فعالیت نکرده‌اند بلکه دسترسی به داده‌ها را بسیار ساده‌تر کرده‌اند و فاصله میان مالی و سایر موارد را حذف کرده‌اند و دیگر در نگرش‌های جدید، سیستمی را با نام انبار مشاهده نمی‌کنیم و همه عضو یک فرآیند هستند و امکانات جدیدی که آنها را به وب متصل نماید و دسترسی از هر جا ممکن باشد حاکم است طبیعتاً تمام اینها روش‌ها و ساختار مدیریت سنتی را تحت تاثیر قرار می‌دهند و نیاز به نگاه جدید دارد.

در این کنفرانس الکساندر بایکوفسکی از کشور روسیه از دانشگاه سن پترزبورگ با موضوع نقش مدیریت مالی در تغییر اقتصاد دولتی به اقتصاد خصوصی، دکتر علی رحمانی با موضوع "مدیران مالی شرکت‌ها و بحران‌های مالی" و دکتر ساسان مهرانی در خصوص "کیفیت سود و واکنش بازار سرمایه" و مهتاب اطهری در خصوص "EBA" به ایراد سخن پرداختند همچنین اسامی برگزیدگان دومین کنفرانس بین‌المللی مشاوران و مدیران مالی که موفق به اخذ تندیس زرین شدند به قرار زیر اعلام شد:

دکتر حمید علیخانی از وزارت بازرگانی
مهندس کامیار عطایی از سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران
مهندس علی کارگر از قرار گاه سازندگی خاتم الانبیا
دکتر عباس وفادار از دانشگاه تهران
الکساندر بایکوفسکی از دانشگاه سن پترزبورگ
دکتر حسین محمدپور زرندی از شهرداری تهران